

همه نیروها و عناصر مخالف استبداد باید با وحدت عمل و مبارزه خود، رژیم دیکتاتوری و ترور و اختناق را براندازند.

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

دولتهای آمریکا و ایران (کاخ سفید و قصر نشینان تهران) روابط بین خود را به مرحله جدیدی ارتقاء میدهند. مشخصات این مرحله اگر برای آمریکا با فروش مقادیر عظیم و بی سابقه اسلحه به ایران و دادن زدن به مسابقه جدید تسلیحاتی در خاورمیانه همراه است. برای ایران از تشدید سیاست تسلیحاتی رژیم و وابستگی بیشتر آن به امپریالیسم آمریکا و حراج کامل درآمد نفت حکایت نمیکند. تکیه بر سیاست مستقل

تشدید سیاست تسلیحاتی

و وابستگی بیشتر به امپریالیسم آمریکا

۲۸ خرداد روزنامه اطلاعات نقل از خبرگزاری فرانسه و نوشته مجله آمریکائی «آوی ایشن ویک اند اسپیس تکنولوژی» خبر تصمیم آمریکا به فروش ۱۶۰ فروند هواپیمای شکاری اف-۱۶ به ایران را انتشار داد. در همان خبر «اطلاعات» تصریح کرد که مقدمات دولت ایران مایل به خرید ۳۰۰ فروند از این نوع هواپیما هستند و شرایط تازه ای که از طرف آمریکا دنباله در صفحه ۲

ملی، که شاه در ماههای اخیر پس از روی کار آمدن کارتر در مصاحبات خود به آن تکیه خاصی مینمود، در عمل ادامه سیاست تسلیم در مقیاس وسیعتر و بشکل بی ارفاق تری از آب در میآید. آنچه بدایت اشاره کردیم ادعاست یا واقعیت؟ به این سؤال با مراجعه به خبرهای رسمی معاملات اخیر اسلحه بین ایران و آمریکا و اظهارات شخص شاه در تبعیت از امپریالیسم آمریکا و ابراز تمایل به وابستگی بیشتر به آن پاسخ میدهم.

تنها با تشدید مبارزه ای پیگیر و خستگی ناپذیر

میتوان پرچم آزادی را در ایران برافراشت

این شیوه مبارزه با نامه اول سرگشاده دکتر حاج سید جوادى در سال پیش آغاز شد و با نامه دوم همان نویسنده و در ماههای اخیر با نامه‌های سرگشاده باضمای ۴۰ نفر از نویسندگان سرشناس که نام برجسته ترین نمایندگان ادبیات معاصر ایران را در برمیگیرد و نامه گروهی از رهبران حزب ایران و عمده دیگری از وابستگیان به تشریح دیگر اجتماعی ادامه یافت. ویژگی و تازگی این شیوه مبارزه که در شرایط ترور و اختناق مطلق و با خرید خطرات محتمل انجام میگیرد، تنها در محتوای این نامه‌ها نیست. محتوای این نامه‌ها در بهترین نمونه‌های آن معضله بخشی از همان افشاکاری هائی است که تشریحات حزب توده ایران در آنها سال است با پیگیری و روشنی و باتکاف مبارک و واقعیت‌متدد انجام میدهد. ویژگی این نامه‌ها در اینست که از یکسو نشان میدهند کابوس ترور و وحشت که دیکتاتور ایران مدعی بود «جزیره فبات» و آرامش «تزلزل ناپذیره» است ترک برداشته، ترس از بلا داشت و شکنجه و مرگ کثرت شده و تشریح تازه‌ای از جامعه درمیدان مبارزه غلظی برای آزادی گام میگنارند. از سوی دیگر ویژگی این نامه‌ها و با بهترین بگوئیم بسیاری از این نامه‌ها در اینست که نشان میدهند ناپایداری رژیم سلواکی شاه، رژیم ترور و آدمکشی هر روز نمایان تر میگردد و بخشهایی از جامعه را که هوادار نگهداری نظام کنونی اقتصادی یعنی نظام سرمایه داران و زمینداران بزرگ هستند به تفکر و امید دارد و به ترس دچار میسازد. متفکرین این بخشهای اجتماعی، اوضاع جهان را می بینند و سنجیدگی عمده دگرگونیهای دوران ما را تشخیص میدهند و بر پایه این تشخیص باین نتیجه میرسند که تنها با برانداختن رژیم اختناق سلواکی شاه و برقراری آزادیهای اجتماعی در چهارچوب دموکراسی بورژوازی میتوان عمر نظام کنونی را دراز تر کرد و از آن دگرگونیهای بنیادی اجتماعی جلوگیری کرد که با فرو ریختن رژیم کنونی بر اثر یک انفجار انقلابی جامعه احتمال انجام یافتنش بسیار است. یا با سخن دنباله در صفحه ۲.

با تشدید روز افزون تضاد های درونی جامعه مبارزه قشرهای گوناگون مردم گسترش پیدا تغییر روز افزون تناسب نیروها در میدان سیاست بود صلح و آزادی و سوسیالیسم، بسود جنبش سالیبخش ملی و دموکراسی و بویژه محصول ن یعنی مردم شکستن آخرین سنگر گلهای و فروردی بی دردی کاخهای فرمانروایی رژیمهای فئدالی سیاسی ایران را هر روز بیشتر تحت تأثیر فشار افکار عمومی حاکم کرات جهان روی رژیم تاق ایران افزایش می یابد. رژیم مجبور شده است، جهنمی خود رنگ و روغن «دموکراسی» بزند نشانه گزند پنبیری و ناپایداری رژیم اختناق در ایران است. نباید اجازه داد که رژیم ماسک بر و ظاهر سازی برچهره کسریه خود بکشد و افریب دهد. تنها با تشدید پیگیر و خستگی زده و با اتحاد همه نیروهای مخالف رژیم میتوان ترور و آدمکشی سلواکی شاه پایان بخشیده ای اجتماعی را در ایران مستقر ساخت. نرمله‌های گذشته در میدان سیاست ایران، شاهد و افزون مبارزه مردم برای بهبود شرایط زندگی ز همه برای پایان بخشیدن به اختناق سیاسی و آوکی شاه بوده‌ایم. نمایش نیروی این مبارزه ای سرگشاده‌ای است که در این نامه‌ها و در راههای اجتماعی و نمایش گان سرشناس قشرهای جامعه انتشار یافته و با وجودیکه مطبوعات رژیم در باره آنها سکوت مرگباری را نگه با سرعت زیادی دست به دست گشته و در بران طلیت انداخته است. این نامه‌ها با وجودیکه نویسندگان گنیرهای گوناگون اجتماعی و باطنی کم و نلوت به او ضاع کنونی برخوردار کرده‌اند برای یک هسته اساسی یگانه میباشند و آن ید به اختناق سیاسی سلواکی حاکم بر کشور ایل بخشیدن به آن و تأمین آزادیهای اجتماعی

یک کنفرانس مهم علمی در پراگ

بمناسبت شصتمین سالگرد انکبر کبیر

از تاریخ ۲۸ تا ۳۰ ژوئن ۱۹۷۷ (۷ تا ۹ خرداد ۱۳۵۶) بنا بدعوت مجله صلح و سوسیالیسم، کنفرانس علمی بین المللی تحت عنوان «انکبر بزرگ و جهان معاصر» در شهر پراگ تشکیل شد. در این کنفرانس نمایندگان ۷۳ حزب کمونیستی و کارگری و احزاب ملی دموکراتیک کشورهای مختلف شرکت داشتند. هیئت نمایندگی حزب توده ایران: ریاست رفیق ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در کنفرانس شرکت نمود. طی سه روز مباحثات کنفرانس، شرکت کنندگان اهمیت جهانی انقلاب کبیر سوسیالیستی انکبر را در جهت مختلف و تجارب و آثار و تعالیم این رویداد بزرگ تاریخی جهان را در مورد جنبشهای انقلابی جهان معاصر در پنج قاره جهان بیان داشتند. در این کنفرانس مسائل جالب تئوریک در مورد تأثیر عمیق انقلاب انکبر در اوضاع سیاسی و اجتماعی جهان معاصر مطرح گردید. رفیق بورس پاناماریف عضو مشاور هیئت سیاسی و دبیر حزب کمونیست اتحاد شوروی ضمن نطق مستدلی، جمع‌بست حالی از نتایج عمده مسائل نظری و علمی مطروحه در کنفرانس ارائه داد. رفیق ایرج اسکندری در سخنرانی مشروح خود تحت عنوان «برخی مسائل درباره اهمیت جهانی آموزش انقلاب کبیر سوسیالیستی انکبر» یادآور شد که: «تأثیر بین المللی انقلاب انکبر تنها به نفوذ کلی عینی این انقلاب در وضع سیاسی جهان و جریان حوادث ۶۰ سال اخیر محدود نمیگردد. این انقلاب از بنو پیروزی خود برای زحمتکش و خفقانهای تمام جهان نمایانه نمونه ای شورانگیز در مبارزه آزادی بخش تاقی گردید و تئیسیم بجهت تئوری و پراکتیک انقلاب بطور دنباله در صفحه ۲

پیروزی خلق در سی تیر ۱۳۳۱

ثمره وحدت عمل همه نیروهای ملی بود

بیست و پنج سال از خیزش دلاورانه خلق در سیام تیر ۱۳۳۱ میگذرد. در این روز توده‌های مردم پریخاستند تا کودتای شاه - قوام را خرم شکنند و نقشه جناحکارانه امپریالیسم و ارتجاع را نقش بر آب کنند. جنبش انقلابی مردم ایران که پس از صحنه‌سازی بهمن ۱۳۲۷ بار دیگر با پیروزی بیش میرفت در این روز به اوج خود رسید. توده‌ها که طی یازده سال فعالیت و تلاش حزب توده ایران و دیگر سازمانهای ملی و معموکراتیک جنبش آمده، به آگاهی سیاسی دست یافته بودند، چنان نیروی از خود نشان دادند که دشمن را بسوخت و سرگجه انداخت و او را عقب نشینی مفتضحانه‌ای وادار کرد. تا نکها و توهنهاییکه بدستور شاه برای سرکوب تظاهرات مردم بخوابانها و کوچه های تهران اعزام شده بود در برابر شور و هیجان انقلابی خلق از کار افتاد. مردم در برابر آنها سینه سپر کرده و با مشتهای گره کرده با آتش مسلسلها و گلوله‌های مرگبار زورور شدند. شاه و قوام فرمان قتل عام مردم را صادر کردند، حتی برادران شاه از درون جیبهای اسریرکالی با اسلحه کبیری مردم را بگلوله بستند. هر لحظه بز شماره شهدای راه آزادی و استقلال میهن افزوده میشد و خون پاک آنها میدان بهارستان، خیابانهای اکباتان، لاله‌زار، دروازه شمیران و شاه آباد رانگین میکرد. اما مگر میشد از سیل خروشان خلق که میرفت تا بنیان رژیم را برانگندد جلوگیری کرد؟ کار بجائی رسید که عده‌ای از افسران با وجدان ارتش از اجزای امر، سرپیچی کردند و بصوف مردم پیوستند. دکتر امامی جاسوس شاه که ناظر توان انقلابی و تزلزل صوف ارتش و پلیس بود، از مجلس جریان حوادث را مرتباً بشاه با تلقین گزارش میداد و مخاطراتی را که دنباله در صفحه ۲

گروه مهم گروههای همبستگی با ایران

برخی از زندانیان سیاسی مورد بحث قرار گرفت. برای مبارزه مؤثر تر علیه تاکنک جدید دولت ایران امکان تشکیل کنفرانسی در اوایل سال ۱۹۷۸ با شرکت هر چهار گروه مورد بررسی قرار گرفت. هر یک از گروهها تجربه خود را در مورد اختلاف میان گروههای مختلف ایوزیسیون ایرانی در خارج از کشور در اختیار سایرین قرار داد. گروه آلمان فنرال از اینکه بعلت مغزی بودن حزب توده ایران نمیتواند از مبارزان این حزب برای شرکت در میتینگها و کنفرانسه‌ها بطور رسمی دعوت کند ابراز تأسف کرد.

روز ۱۱ ژوئن ۱۹۷۷ (۲۱ خرداد ۱۳۵۶) در لسه ای با شرکت نمایندگان گروههای ایرانی در ایران در چهار کشور آلمان فنرال، بلژیک، فرانسه تشکیل شد. در طی این گردهم آئی و مورد بررسی قرار گرفت: شرح مختصر فعالیت هر یک از گروهها؛ تبادل اخبار مربوط به هر یک از کشورها و البیت مشترک گروهها؛ بررسی تاکنک جدید دولت ایران برای فریب بی (از جمله آزاد ساختن مددوسی از زندانیان و راههای مبارزه با آن؛ همکاری با ایوزیسیون سیاسی ایران در خارج و ملک به وحدت آنان در مبارزه؛ امکان تشکیل دادگاه بین المللی - همانند برتراند راسل-برای بررسی جنایات دولت ایران. ز جمله فعالیتهای گروههای همبستگی، اعزام فرانسه برای ملاقات برخی از زندانیان و کارزار ری امضا برای محکوم کردن رژیم ایران در روال است. اخبار مربوط به مسافرت اخیر رئیس سرخ به ایران و همچنین مسافرت رئیس سازمان المللی در اواخر ماه مه با ایران و دیدار او با

مرگ ناگهانی و مشکوک دکتر علی شریعتی

ملی، آریا مهر و تهران تظاهرات وسیعی علیه رژیم انجام شد که منجر به زد و خورد های شدید میان پلیس و دانشجویان شد. در برخی مساجد و از جمله مسجد «ارگ» مردم با بندهاست به تظاهرات ضد رژیم دست زدند. از جانب دکتر علی اصغر حاج سیدجوادى نیز نامه سرگشاده ای انتشار یافت و در این نامه دستگاه دولتی و سلواک مسبب واقعی مرگ شریعتی معرفی شده، رفتار دولت و مسئولین امور را همایه خونیخوارترین رژیمها دانسته و از مردم خواسته است که مبارزه خود را تشدید کنند. در نامه حاج سیدجوادى گفته میشود: خوشحال بحال کسانی که بز بنیاد زمانه خود از راه قلم و قدم بشهادت برمیگزینند و به شهادت بباک هلاکت میافزیند.

خبر مرگ ناگهانی دکتر علی شریعتی در لندن در میان محافل ملی و مترقی ایران و نیز دوستان و همروزمانش موجب واکنش گردید. دکتر علی شریعتی که بعلت روشنگریهای خود در «حسینیه ارشاده» و مخالفت با رژیم، سالها در زندانهای شاه بسر برد، پس از آزادی از زندان و در حدود بیست روز قبل از مرگش، با کنفرانسه ای بنام «مزیانی» (دنباله نام خانواده گیش) از ایران خارج شد و با انگلستان مسافرت نمود. روز دوم تیر ماه روز نامه های ایران، خبر مرگ ناگهانی او را در لندن منتشر ساختند. مرگ ناگهانی و مشکوک دکتر علی شریعتی در میان قشرها و محافل مهت پرست بازنتاب یافت. در تهران مجلس یاد بودی از طرف مهندس بازرگان تشکیل گردید که جمع کثیری از مردم در آن شرکت کردند. پلیس ب مردم حمله ورشد و عده‌ای را مضرورب نمود. در شیراز فوستان شریعتی مجلس ترحیم او را بر گزار کردند که مردمی از طبقات و قشرهای مختلف در آن شرکت جستند. دانشجویان با شعار های ضد رژیم در این جلسه حضور یافتند. پلیس ب مردم حمله برد، عده ای را مجروح و جمعی را بازداشت کرد. در دانشگاههای

مرگ ناگهانی دکتر علی شریعتی چه مستقیماً توسطه ساراک باشد (اطلاعات که در افواه شایع است) و چه غیره از آن، بهر حال مسبب واقعی مرگ این مبارز برجسته ضد رژیم مأموزان فرنده جوسی سلواک هستند که با افعال انواع فشارهای روحی و جسمی مرگ او را تدارک دیدند. ما باین جنایت سلواک شدیداً معترضیم و از فقدان این مبارز دانشمند و مقاوم عمیقاً ابراز تأسف میکنیم.

تنها با تشدید مبارزه ای پیگیر ...

يك واقعیت روشن

که ماهیت روش پکن را رسوا میکند

در ایام اقتت زبیرت موگابه یکی از رهبران جنبه میهنی زیم بابوه در پکن (اواخر ژوئن - اوائل ژوئیه) آژانس چین نو (سین خوا) از قول وی خبری در همه جهان پخش کرد که گویا موگابه در اظهارات رسمی خود در چین به اتحاد شوروی تلخه و آنرا به سیاست سیطره جویانه و مداخله گرانه در افریقا متهم کرده است. این خبر زمانی پخش و در مطبوعات سرمایه داری منعکس شد که مجمع رؤسای دولتهای عضو سازمان اتحاد افریقا در لیبورن تشکیل بود. نکومو همکار دیگر موگابه بلافاصله طی یک مصاحبه مطبوعاتی تردید شدید خود را در صحت این خبر ابراز داشت و گفت که وی مطمئن است که این اظهارات نمیتواند منطبق به موگابه باشد. نکومو گفت:

«اتحاد شوروی بما کمک همه جانبه مینماید و این امر از آغاز شروع مبارزه ما تاکنون دنبال شده است. بهر حال زبیرت موگابه بزودی به لیبورن خواهد آمد و به سوالات ما در این باره پاسخ خواهد داد. در جریان جلسه لیبورن موگابه در آن حضور یافت و طی یک مصاحبه مطبوعاتی چنین گفت: «ابتدا من از مجلات انگلیسی از اظهارات منسوب بخودم علیه شوروی آگاه شدم. هدف این توطئه ها لطمه زدن به جنبه میهنی است. احقانه است که من علیه اتحاد شوروی که سهم وزینی در امر رهائی جنوب افریقا از دست زبیرت خرد حرفی نزنم. ما برای کمک بی غرضانه و مؤثر اتحاد شوروی ارزش عالی قائلیم و اینرا بارها گفته ایم. جنبه میهنی زبیرت با برکت شوروی در نبرد با رژیم نژادگرای سیمت به پیروزی بزرگ ناال خواهد شد. گمان نمیکند این واقعیت نیازی به تفسیر داشته باشد ولی آیا دروغگوها شرم خواهند کرد؟»

رژیم برای نشان دادن اینکه گویا دموکرات، است، در قانون دادرسی ارتش که یکی از سیاه ترین قوانین نوع خود در جهان کنونی است این عقب نشینی کوچک را بوجد آورده که متهمین غیر نظامی اجباری در برگزیدن و کاوی مدارع نظامی نداشته و بتوانند از کلان غیر نظامی دادگستری نیز استفاده نمایند. چیزی که بیش از استقرار دیکتاتوری ساواکی شاه حتی در محاکم نظامی، غای بوده است و هیچگونه تمسیر مهمی در نتیجه دادرسیهایی که دادستان ها و دافران آن از تورکمان سرسپرده رژیم ساواکی هستند بوجود نیاورد، همانطور که در گذشته بوجود نمی آورد. این رنگ و روغن زندها اگر چه سطحی و در درجه نخست برای فریب افکار عمومی نیروهای موکرات در جهان که با اوضاع اختناق ایران اعتراض میکنند انجام گرفته است، دو واقعیت با اهمیت را نشان میدهد: یکی اینکه شاه و گردانندگان رژیم ساواکی کنونی که در دهسال اخیر مرتکب تنگن ترین جنایات گشته اند و سیاه اقدامات آنان با خون هزاران وطن پرست ایرانی نوشته شده است، کسانی که در سایه این جنایات ثروت بی پایان ملی ما را به تراج برده و میبندند و دست غارتگران امپریالیست را آزاد گذاشته اند، از برقراری آزادی در ایران حتی در محدود ترین چهارچوب قابل تصویرش بیش از مرگ میترسند و با تمام نیرو مقاومت میورزند. اما واقعیت دوم اینست که علیرغم این مقاومت لاجزانه شاه و رژیم ساواکییش در شرایط کنونی در حال گسترش در ایران و جهان، این رژیم نه تنها گزند پذیر بلکه شکست پذیر است و میتواند با تشدید همه جانبه فشار و گسترش مبارزات مردم و اتحاد نیروهای مبارزه برای تمرکز همه امکانات در جهت معین آنرا برانداخت و یزیم آزادیهای دموکراتیک را در ایران برافراخت.

حزب توده ایران که همواره با پیگیری و خستگی ناپذیری در راه بدست آوردن آزادیهای دموکراتیک مبارزه کرده است، مبارزه هر گروه دیگری را در این راه صرف نظر از اختلاف نظرهای ایدئولوژیک و سیاسی پشتیبانی میکند و همه نیروهای راستین هوادار آزادی و مخالف دیکتاتوری را صرف نظر از هر انگیزه و هدفی که در این مبارزه دارند قرا میخواند که تکیه بر روی موارد اختلاف و جدائی را با کنار بگذارند و یا در درجه دوم اهمیت قرار دهند

تشدید سیاست تسلیحاتی و ...

پیشنهاد شده مورد قبول شاهنشاه قرار خواهد گرفت.، جهات نظامی و استراتژیک این معامله که موجب نفوذ بیشتر آمریکا در نیروی هوایی ایران و هسانی تسلیحات آن با تسلیحات پیمان نظامی ناتو، خواهد بود معلوم است. برای اطلاع از اهمیت مالی معامله جدید خرید اسلحه کفایت یاد آور شویم که مبلغ آن بین ۱۸۰۰ تا ۳۰۰۰ میلیون دلار خواهد بود. ضمناً ضریب تورم نیز سالیانه ۶ تا ۹ درصد مبنای محاسبه قرار گرفته؛ یعنی اینکه هر چه تحویل هواپیماها با تأخیر بیشتری همراه باشد ایرات ناگزیر مبالغ زیاد تری برای هر هواپیما پرداخت خواهد کرد.

در تعقیب خبر فوق و تنها بافاصله شش روز فاش شد که رئیس جمهور آمریکا کلم خطرناکی در تحویل مسابقه تسلیحاتی بخاطر ممانه برداشته و برای موقعیت در اینکار سرسپردگی دولت شاه را مورد استفاده قرار داده است. روزنامه «واشنگتن پست» سوم تیر ماه با کسب خبر از محافل آگاه اطلاع داد که کارتر پیشنهاد تازه ای دائر به فروش سیستم جدید تسلیحاتی به دولت ایران تسلیم کنکره نموده است. طبق این پیشنهاد هفت سیستم مدرن تسلیحاتی اکتشاف و جهت یابی متحرک هوایی که نام اختصاری آن «آواکس» است، بمبلغ ۱۲۰۰ میلیون دلار به ایران فروخته میشود. «واشنگتن پست» مینویسد: از آنجا که ایران فاقد کارشناسان استفاده از سیستم جدید تسلیحاتی است اداره سیستمهای نامبرده بعهده متخصصین امریکائی خواهد بود. اضافه میکنیم که هر سیستم «آواکس» مرکب از ۱۷ هواپیمای جت بوئینگ ۷۰۷، ۱۷۰۰ و هر هواپیما احتیاج به ۱۶ نفر خدمه در پرواز دارد.

سیستم جدید تسلیحاتی «آواکس»، که حتی پیمان ناتو فاقد آنست، با ضرورتی تأمین دفاع ایران کمترین اورتباطی ندارد. این مطلب کاملاً روشن است. سیستم جدید تسلیحاتی، که کارتر به کشور ما تحویل میکند گامی است در جهت تأمین مقاصد کمپلیکس نظامی - صنعتی آمریکا و طبرقदारان تشدید تشنج در اوضاع بین المللی. «آواکس» سیستمی است برای ایجاد کره ها و تناقضات جدید در روابط کشور های معارضه و اخلاق در مناسبات آنها. هدف تحویل این سیستم به ایران تشدید مسابقه تسلیحاتی در خاور میانه و حوزه خلیج فارس است. تحویل «آواکس» بایران باعثتراف همان روزنامه «واشنگتن پست» گامی است در جهت فروش بیشتر سلاحهای مرگبار امریکائی بخارج که با وعده هایی که خود کارتر داده مغایرت دارد. بیجاست یادآور شویم که حتی اعضاء ناتو، از قبول پیشنهاد امریکا دائر به تجهیز با سیستم «آواکس» امتناع نمودند. اوایل سال جاری دولتهای انگلستان و آلمان غربی، تحت عنوان اینکه بودجه شان اجازه نمیدهند، پیشنهاد امریکا را دائر به پرداخت سهم برای ایجاد سیستم «آواکس» رد کردند. بااینحال شاه نه فقط تمام و کمال تسلیم شانتاز امریکا شده بلکه به استقبال آن نیز می شتاند.

شاه در مصاحبه با ادوارد سالیله مفسر فرانسوی که مقارن با تصمیم اخیر کارتر، در تحویل معاملات جدید اسلحه به ایران صورت گرفت، خرسندی خود را از سیاست زمامداریان جدید کاخ سفید در جهت تشدید مسابقه تسلیحاتی پنهان نداشت. او حتی اعلام داشت که با اعتقاد قرارداد خرید راکتورهای هسته ای از امریکا در آینده ای خیلی نزدیک، باستقبال سیاست جدید کارتر می شتاند. با قرارداد های جدید فروش اسلحه شاه یک قلم ۳ تا ۴ میلیارد دلار از درآمد نفت ایران را تسلیم امریکا میکند. انعقاد قراردادهای خرید راکتور اتمی باعث میشود که چند برابر این مبلغ از حساب درآمد نفت ایران خارج و بحساب انصضارات امپریالیستی امریکا، منجمله همان انصضارات نفتی عضو کارتل قرار آید، که شاه مدعی است گویا با آنن «سرنجنگ» دارد.

خرید سلاحهای مرگ آور و تشدید کننده مسابقه تسلیحاتی در منطقه از یکطرف و تسلیم درآمد نفت ایران به مبالغ عظیم به انصضارات امپریالیستی از جانب دیگر - اینست نقطه عزیمت در روابط، قصر نشینان تهران با هیئت اداری جدید کاخ سفید. در و تمام کوشش و نیروی خود را در جهت عمده ترین و مرم ترین خواست روز جنبشهای ایران که برانداختن دیکتاتوری سیاه ساواکی و تأمین آزادیهای دموکراتیک است بکار اندازند. روشن

پیروزی خلق در سی تیر ۱۳۳۱

از این وضع حاصل میشد خاطر نشان میکرد. حالتی شاه که موفقیت خود را در خطر میدید به ارتش و پلیس دستور عقب نشینی داد. قوام در استعفا کرد و تهران بدست نیرو های مردم فاشور و شوق مردم در این روز خارج از وصف نیرو های گوناگون ملی صرف نظر از وابستگیها و طبقاتی یکدیگر را در خیابانها و کوچه ها در آغوش میکشیدند. آشک شاهی سیر ریختن پیروزی شکر را بیکدیگر شادباش میگفتند در اینجا مجال آن نیست که جریان پیش از این را پس از آنرا بیان و تحلیل بررسی نماییم که چه شد که چنین خیزش که پس از دردم کوفتن دشمن بندگان اصلی خود و سرانجام کودتای ۲۸ مرداد بود امپریالیسم آژانس کوب کرد. آنچه در اینجا مورد فاشورسی است که باید از سیام تیر گرفت. خیزش تیر مظهر کامل همکاری و وحدت عمل همه زندانیان ریاستی و دموکراتیک بود و اینرو شاید را در آغوش کشیدند. در آنروز مسئله توده های یوا بستگیهای دیگر سیاسی واجتماعی در آن توده نبود. فقط یک هدف و یک مقصد در آن توده را بهم پیوند داده بود که خوش بنوش هم وازا کارزار شدند. این هدف مقدس در هم شکستن دربار امپریالیسم و درجه اول امپریالیسم امر. امروز نیز ما در برابر دربار پهلوی و امپهار و افسونگر قرار داریم. در آنروز آ توده ها و وحدت عمل نیروهای ملی پیروزی کرد. اما امروز این نیروها یا فا آگاه و نیافته هستند و یا دچار اختلافات و مبارزات تنها دهنهت از این وضع سود میبرد و مبارزات را جدا جدا سر کوب میبندد. اکنون در برابر ضد امپریالیست و ضد استبداد فقط يك راه برای مبارزه و رسیدن به پیروزی وجود دارد راهیکه خود را در رزق سیام تیر بنیات رسانده است. راه وحدت عمل نیرو های ملی صرف نظر از. گوناگون ایدئولوژیکی و وابستگیهای سیاسی آنها برای درهم شکستن جنبه متحد ارتجاع و امپست که در بار و در رأس آن شاه مستبد کلمه قرار دارد. حزب توده ایران بار دیگر بگشت ۱۵ سال از روز سیام تیر ۱۳۳۱. این تاریخی را که بسیار آموزنده است بنجام مخالفان وابسته استبدادی ایران یاد آور میشود و همه سل شخصیت های ضد رژیم را برای تشکیل جبهه دیکتاتوری فرامیخواند.

يك کنفرانس مهم علمی در پراگ

کلی و انقلاب یورولتری یوزیه یا تأیید خود در انقلاب یورولترایی روس، اسانه قدر قدرتی سرما و امپریالیسم را در افکاش هبه خلقتها بر هم زد. آ گاهی سوسیالیستی پرولترایی بین المللی را با الهام بخش خلقهای کشورهای مستعمره و وابسته اندیشه انقلابی را در بین مردم کشورها و ات نیروی خود و پیروزی را در آنها بیدار کرد. مجموعه سخنرانیهای این کنفرانس مهم علمی در کتاب جدا گانه ای بوشله مجله سوسیالیسم: بزبانهای مختلف انشتر خواهد یافت نظر به اهمیت مسأله که در نطق رفیق بنانا مطرح گردیده؛ حزب ما متن این نطق، نیز سخنرانی رفیق اسکندری در مرحله دنیامشتر خواهد دور جدید این روابط، نه تنها مناخ علمی، ک امنیت دفاعی آن برای راضی نگاهد اشرف کارتر بر طبق اخلاص گذاشته شده. بلکه دفاعی و امنیت همه منطقه بامت سرسپردگی رژیم امپریالیسم امریکا پیش از پیش تحت علامت قرار داده میشود. این امری نیست که نیروهای استقلال و امنیت در خاور میانه، که میخ منطقه ما از نفوذ امپریالیسم امریکا پاک گردد، نسبت به آن بی اعتنا باشند.

تسلیم بیشتر شاه در برابر امپریالیسم امریکا، خطرات جنی برای حال و آینده کشور ما بر مردم ایران و بزبانهای علاقمند به حفظ استقلال ملی مبارزه خود را علیه این سیاست خطرناک و که مجری آنست تشدید خواهند نمود.

روشن تر، شعار کهنه ذکر امینی که از یکتومان درآمد ۳۰۰۰ ریال را بده برای آنکه ۷۰۰۰ ریال را نگهداری، با جمله های رنگارنگ نو جلوه گر میشود.

با این ترتیب ما شاهد آن هستیم که جبهه ضد دیکتاتوری در عمل از طیف پهنای خود از پیروها بوجود آمده و بدون اینکه شکل مشخصی گرفته باشد با در میدان مبارزه گذاشته است. که در یک سمت آن حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و همه زحمکشکان ایران جا گرفته و هم اکنون نمایندگان تشر های دیگر اجتماعی هوادار آزادی و دموکراسی و پیشرفت اجتماعی و حتی نمایندگان تشر های اجتماعی لیبورن و صد گومونیست را زیر میگیرند.

حزب توده ایران صرف نظر از ارزیابی روشنی که درباره هدفتها و انگیزه های افراد و گروههای شرکت کننده در این مبارزه دارد، بطور پیگیر و با صلوات از این مبارزه پشتیبانی میکند و با تمام نیروی خود در پیشبرد این مبارزه همراهی خواهد کرد.

در پیوند با گسترش مبارزه برای آزادی و دموکراسی در ایران ویژگی با اهمیت دیگری از وضع کنونی سیاسی ایران نمایان گردیده است. این ویژگی در آنست که رژیم پرنخوت شاه اعتماد به نفس گذشته خود را از دست داده است. شاه و رژیم ساواکیش تصور میگردند که میهن ما را برای همیشه به گورستان آزادی مبدل کرده اند. گورستانی که دیگر صدای آزادی از آن بیرون نخواهد آمد. اکنون دیگر آنها این اعتماد بنفس را از دست داده اند و از مدتی باینطرف میکوشند به دستکاه ترور و آدم کشی خویش رنگ و روغن بزنند، کاری که در گذشته هرگز نمیکردند، بلکه برعکس به رژیم سیاه اختناق خود میبالیدند.

توانم گونا گونی از مبارزات درون جامعه ایران و دیگر گونهای سالیهای اخیر در جهان کردند پیگیری و بااینکار رژیم ساواکی شامرا نمایان کرد موگردانندگان رژیم: «اوادار» به چاره جویی نموده است. عمده ترین این عوامل عبارتند از: مبارزات پیگیر حزب ما در صالیات، فراز استقرار اختناق سیاه، مبارزات سایر گروههای مخالف رژیم، مبارزه طبقه کارگر و زحمکشکان شهر و ده در شرایط دشوار ترور، مبارزه جوانان دانشجوی و کشر های وسیع متوسط شهری و دیگر گونهای عظیم در تناسب نیروها در میدان سیاست جهانی که محصولات در دوران اخیر بصورت فروریزی رژیمهای فاشیستی یونان و برتقال و اسپانیا، پیروزی جنبشهای رهائی بخش در آنکول، موزامبیک، کینه بیسائو، جشه و یک سلسله کشور های دیگر و حتی عقب نشینی ارتجاع در کشور های همسایه ایران مانند ترکیه و پاکستان و بالاخره متزلزل شدن محکمترین سنگر های فاشیسم نژادی در جنوب افریقا، بطور کلی تشدید تناقضات درونی اردوگاه امپریالیستی و تصام جهات سرمایه داری، تشدید بحران عمومی سرمایه داری جهانی و تحکیم روز افزون مواضع سیستم جهانی سوسیالیسم است. همه اینها دست بدست هم داده و به آن اعتماد به خویش پرنخوت شاه ضربه متزلزل کننده ای وارد ساخته است. شاه و سایر گردانندگان رژیم ساواکی حاکم به ناپایداری گردند پذیردی دستکاه جهانی خود پی برد و بهمین سبب در صدد رنگ و روغن زدن به آن برآمده اند. رژیم برای نگهداری هسته اساسی اختناق و ترور و نرم کردن چهره نفرت انگیز پیروزی آن به برخی اقدامات سطحی دست زده است. از هزاران زندانی سیاسی که در دستکاههای سراسر ایران جانی میکنند، چند صد نفر را که یا اصلاً محکومیتی نداشته و یا مدتها دوران محکومیتشان سر آمده بوده است یا بوق و کرنا آزاد کرده، در عین اینکه نه تنها هزاران محکوم دیگر تنها بچهر خواندن يك کتاب ادبی مترقی در زندانها جانی میکنند حتی بیش از ۲۰۰ نفر زندانی سیاسی که دوران محکومیت برخی از آنها سه سال و دو سال است که سرآمده بچرم اینکه حاضر به همکاری با ساواک نمیشدند در زندانها نگهداشته شده اند.

رژیم زندانهای مرکزی تهران را کمی رنگ و روغن زده و آنها را برای باز دید کنندگان خارجی آماده ساخته ولی در عین حال زندانهای مخوف پنهانی براف بنداشته تا زندانیان سرکش را به این فراموشخانه های پر بگ روانه دارد.